

بی تو پیمان نشکستیم، خدا می داند

دوازدهم بهمن ماه یادآور یکی از شورانگیزترین روزهای تاریخ این دیار است ...



دوازدهم بهمن ماه یادآور یکی از شورانگیزترین روزهای تاریخ این دیار است .

روزی که مردمی عاشق و تشنه خوبی‌ها، پس از سال‌های طولانی فراق، گمشده خود را چون نگینی در بر گرفتند و استقبال بی‌مانند از مراد خویش را در سینه پرخاطره هستی به یادگار نهادند.

آنان که در آن روز فراموش‌ناشدنی، شیرینی حضور را چشیده‌اند، حتما تصدیق می‌کنند که ترسیم حتی دورنمایی از آن صحنه‌های دل‌انگیز هم امکان‌پذیر نیست. آن استقبال پرشور، به‌ویژه از این جهت ستودنی است که هیچگاه حرارت خود را از دست نداد و با بدرقه‌ای حماسی‌تر، تکمیل شد.

درسی که امروزه و در آستانه سالگرد ورود امام خمینی (رضوان‌الله علیه) به کشور شایسته تاکید و تدبیر است، رمز و راز آن اقبال بی‌ادبار به پیرمرد فرزانه‌ای است که از همه امکانات مادی و ابزارهای قدرت ظاهری محروم بود.

در میان بزرگمردان تاریخ، بسیارند رهبرانی که با گرایش و قبول افکار عمومی مواجه شده‌اند اما به ندرت می‌توان کسانی را نشان داد که در گذر زمان و در پیچ و خم مشکلات اداره زندگی مردم، فرهنگ‌ی و اقتدار خویش را همچنان حفظ کرده باشند. امام خمینی، اما، از اینگونه افراد نادر است که نه تنها تا پایان عمر که تا امروز هم جایگاه رفیع خود را در دل‌های حقیقت‌جو از دست نداده و به خواست خدا در آینده نیز از دست نخواهد داد.

درک چرایی هجوم عاشقانه مردم به سوی او می‌تواند کلید موفقیت و چراغ راه آینده جامعه ما و همه جوامعی باشد که در سودای تجربه مردم سالاری حقیقی هستند. در میان همه خصوصیات کم‌نظیر شخصیت امام و شرایط خاص آن روزگار، شاید بتوان اصلی‌ترین انگیزه مردم برای عشق همیشگی به ایشان را اخلاص او نسبت به خدا و صداقتش در ارتباط با مردم دانست.

امام توانسته بود پس از سال‌ها مجاهده مستمر، در سلوک معنوی خود به سفر فی‌الخلق مع‌الحق برسد. او با کوله‌باری از معنویت و وارستگی و تنها برای رضای خدا کمر خدمت به خلق خدا را بسته بود. مردم عزیزترین و اصلی‌ترین عنصر در اندیشه و عمل امام بودند؛ مردمی که برای برپایی دین خدا قیام کرده و از همه چیز خود گذشته بودند. مردم می‌دیدند که خمینی جز آنان به چیزی نمی‌اندیشد و جز برای آسایش و سعادت آنان کاری نمی‌کند و به همین جهت بود که در یکی از استثنایی‌ترین رابطه‌های عاطفی، شیفته و فرمانبردار او بودند.

امام نشان داد که به‌رغم نظریه‌های شرک آلودی که همه تاثیرات را به ابزار مادی و رسانه‌های جمعی منتسب می‌کنند، کلید دل‌ها دست خداست و به مدد شگردهای تبلیغاتی و عوام فریبی‌های موسمی نمی‌توان چشمان تیزبین مردم را برای همیشه مسحور کرد. این همان تجربه نوظهوری است که با حضور خود، بنیان نظام بین‌الملل استکباری و نظم نوین جهانی را به مخاطره انداخت و به همین دلیل است که همه قدرت‌ها درصدد نفی و یا دست‌کم تحریف آن برآمده‌اند.

هجوم سازمان یافته و متناوبی که در ماه‌ها و سال‌های اخیر به فرهنگ امام مشاهده کرده‌ایم، دقیقا به همین منظور ترتیب داده شده است. گرچه مردم رشید و دقیق ایران، به لطف خدا، مانند گذشته بیدار و دشمن‌شناس هستند اما جای انکار نیست که حتی در میان ما نیز کوردلانی وجود دارند که در اندیشه بایگانی‌کردن و به موزه فرستادن کتاب مبین آرمان‌های امام خمینی‌اند.

جشن و سرور و نیز تجلیل و تکریم این روزها - که از مصداق‌های بارز روزهای خدایند - لازم و قابل تقدیر است اما ضروری‌تر از آن برای نسل امروز ما تبیین حکیمانه شخصیت امام و آن نکته‌ای است که به‌عنوان راز گرایش دل‌ها به سوی ایشان، رمز اتحاد، اقتدار و پیشرفت کشور است.

شخص امام از میان ما رفت؛ همانگونه که پیامبران خدا رفتند. اما شخصیت و آرمان‌های او مهم است که در میان ما و مایه امتحان ماست؛ عمل ما نشان‌دهنده پاسخ ما به این پرسش قرآن (سوره آل عمران، آیه 144) است که فرمود: [#171](#) محمد فقط فرستاده خدا بود و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند،

آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود شما به عقب بر می‌گردید؟! هر کس به عقب بازگردد هرگز ضرری به خدا نمی‌زند و به‌زودی خداوند شاکران (و استقامت‌کنندگان) را پاداش خواهد داد.» دلدادگی واقعی به امام نشانه‌ای جز وفاداری به میراث و سیره او ندارد.

امام بارها تصریح کرده بود آنچه از همه مهم تر است، جمهوری اسلامی است که برای حفظ آن باید از همه چیز (آری! همه چیز) گذشت و این از واجب واجبات است. و کیست که نداند ستون این خیمه همانا ولایت فقیه است؛ همان که امام می‌گفت پشتیبان آن باشید تا به کشورتان آسیبی نرسد. گریز از این تکلیف دینی و ملی و یا کوتاهی در انجام آن گناهی است که تاریخ بر هیچ‌یک از ما نادیده نخواهد گرفت. و سلام علیه یوم ولد و یوم ارتحل و یوم بیعت حیا...

همشهری آنلاین - دکتر محسن اسماعیلی